

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# با علمای روسیه

گزارشی از مناظره درباره زیارت قبور، توسل و تبرک

نجم‌الدین طبسی

## شناسنامه

## فهرست مطالب

مقدمه مؤلف.....	۷
استناد به سیره ابن حبان در قرن سوم هجری.....	۱۳
استناد به سیره صحابه و تابعین در قرن اول هجری.....	۱۵
استناد به سیره مسلمانان در قرن سوم هجری.....	۱۷
استناد به سیره صحابه در سال ۱۱ هجری.....	۲۰
سؤال یکی از حاضران.....	۲۲
ارائه حدیث تقلین از مهمترین منابع اهل سنت.....	۲۵
اشکال یکی از حاضران به ماجرای ابن حبان و رفتن به زیارت قبر امام رضا <small>علیه السلام</small> .....	۲۸
پاسخ حضرت استاد.....	۲۸
استناد به سیره صحابه در زمان خلیفه سوم.....	۲۹
قرار دادن حدیث «علیکم بسنتی و سنّة الخلفاء» در مقابل حدیث تقلین.....	۳۳
پاسخ حضرت استاد.....	۳۳

- کحلانی و حدیث «علیکم بسنتی و سنّة الخلفاء الراشدين» ..... ۳۴
- ابن حزم و حدیث «علیکم بسنتی و سنّة الخلفاء الراشدين» ..... ۳۵
- پذیرش توسل و تبرک و محدود کردن دایره جواز ..... ۳۸
- پاسخ حضرت استاد ..... ۳۹
- مقید و محدود کردن جواز توسل به پیامبر ﷺ ..... ۴۲
- پاسخ حضرت استاد ..... ۴۲
- مقید و محدود کردن جواز توسل به زمان حیات رسول ﷺ ..... ۴۳
- پاسخ حضرت استاد ..... ۴۴
- مقید کردن جواز توسل و تبرک برای امور اخروی ..... ۴۶
- پاسخ حضرت استاد ..... ۴۶
- تغییر مسیر بحث توسط یکی از حاضران ..... ۴۷
- خاتمه بحث و مناظره ..... ۴۹
- نکته اول ..... ۵۰
- نکته دوم ..... ۵۰
- کتابنامه ..... ۵۱

## مقدمه مؤلف

جزوه حاضر خلاصه یکی از بحث‌های جنجالی و بسیار مفید و مؤثری است که بین من و حدود شانزده نفر از علمای اهل سنت طرفدار وهابی‌ها اتفاق افتاد. این بحث تقریباً دو ساعت به طول انجامید و بعضی از افراد حاضر که تحصیل کرده سعودی بودند تلاش می‌کردند زیر بار نروند، لذا گاهی منکر اصل روایت می‌شدند و گاهی در سند آن خدشه می‌کردند و گاهی نیز به توجیه و تأویل روایت دست می‌زدند؛ اما با توجه به مکان مناظره و حضور در کتابخانه و وجود منابع اصلی و کتاب‌های اهل سنت و ارائه فوری آن به حاضران، از اصرارشان برگشته و قانع می‌شدند و اعتراف کردند که ما این حقایق را ندیده بودیم و کسی با این صراحت و

استدلال با ما سخن نگفته بود. جمع حاضر در پایان مناظره، تفکر وهابی را مردود و آن را بر خلاف اسلام و سیره صحابه و تابعین دانستند.

این مناظره اولین بحث ما نبوده، بلکه مناظرات علمی فراوانی با برادران اهل سنت و علمای آنان داشتیم، ولی به لحاظ سطح علمی حاضران، مبسوط بودن و استنادات و شواهد فراوان آن، پیشنهاد پیاده‌سازی و چاپ و نشر آن مطرح شد. مسئولیت این کار را به عهده فرزند عزیزم فاضل گرامی جناب حجت‌الاسلام حسن بلقان‌آبادی که یکی از حاضرین در جلسه بود و سیر مناظره، شروع و پایان و مسائل مطرح شده در آن را از نزدیک مشاهده کرده بود، گذاشتم و الحمدلله با تلاش فراوان و با همکاری جناب آقای قاسم بیداریخت، آن را به گونه‌ای که قابل استفاده عموم باشد، تحقیق و تنظیم نموده و در اختیار جویندگان حقیقت قرار می‌گیرد تا ان شاء-الله جامعه ما با مسیر حق آشنا شده و در آن مسیر گام بردارد، به امید تبعیت و پیروی همه مسلمانان از کتاب خدا و اهل بیت پیامبر ﷺ.

نجم‌الدین طبسی

مؤسسه ولاء صدیقه کبری ﷺ

۱۳۹۴/۷/۲۵ شمسی



بسم الله الرحمن الرحيم

با توجه به جایگاه علمی و تسلط حضرت استاد به مباحث اختلافی میان شیعه و اهل سنت و اطلاعاتی که درباره مباحث مربوط به جریان وهابیت دارند، هنگامی که علمای سایر کشورهای اسلامی به ایران و شهر مقدس قم مسافرت می‌کنند از طرف برخی نهادهای مربوط با حوزه علمیه با دفتر حضرت استاد تماس گرفته و قرار ملاقاتی گذاشته می‌شود. روزی با دفتر حضرت استاد تماس گرفته و گفتند: تعدادی از علمای اهل سنت و وهابی‌زده از کشور روسیه به قم آمده‌اند، اگر وقت دارید ملاقاتی بین شما و آنان صورت گیرد. حضرت استاد پذیرفتند و قرار بر این شد تا در تاریخ ۹۴/۲/۳ شمس ساعت ۷ بعد از ظهر برای دیدار با حضرت استاد به دفتر ایشان بیایند.

علی‌رغم همه زحمات و مشکلاتی که برای پذیرش این تعداد در دفترشان «مؤسسه ولاء صدیقه کبری علیها السلام» وجود دارد، حضرت

استاد همیشه تمایل و اصرار دارند این گونه دیدارها در فضای کتابخانه صورت گیرد تا مهمانان خارجی حاضر در جلسه با فضای کتابخانه آشنا شوند و کتاب‌های موجود در کتابخانه را ببینند و متوجه شوند که حدود نیمی از کتاب‌های موجود در کتابخانه حضرت استاد مربوط به کتاب‌های اهل سنت است و تقریباً همه صحاح و سنن و شروح آن و کتاب‌های تراجم و رجال و تاریخ و مجموعه‌های حدیثی اهل سنت در کتابخانه حضرت استاد و علمای شیعه موجود است. علمای شیعه بر خلاف بسیاری از علمای اهل سنت که از داشتن کتاب‌های شیعه در کتابخانه‌هایشان ترس و واهمه دارند، کتاب‌های اهل سنت را می‌خرند و آن را مطالعه می‌کنند و از مطالب مفید آن استفاده می‌کنند. علاوه بر هدف ذکر شده، حضرت استاد اصرار دارند مطالبی که در رد وهابیت و تفکراتشان نقل می‌شود، به صورت مستقیم از منابع اهل سنت نقل شود و در همین دیدارها وقتی مطلبی را به طور مستقیم از منابع آنان نقل می‌کنند و آن را به حاضرین و طرف مقابل نشان می‌دهند، حجت را بر خصم تمام کرده و جای هیچ‌گونه تردید و توجیه باقی نمی‌گذارد.

در روز و ساعت مقرر مقداری شیرینی و شربت برای پذیرایی آماده کرده و منتظر حضور آنان بودیم. ساعت از هفت گذشته بود، ولی هنوز مهمانان نیامده بودند. با مسئول مربوطه تماس گرفته شد

و مشخص شد به علت ترافیک با حدود ۱۵ دقیقه تأخیر می‌رسند. ساعت هفت و ربع بود که مهمانان به دفتر حضرت استاد رسیدند. وقتی وارد دفتر شدند به دلیل همراهی مترجم و فیلم‌بردار و تعدادی دیگر از افراد، تعدادشان بیش از آنچه قبلاً گفته شده بود، به نظر رسید. به دلیل محدودیت جا و مکان در فضای کتابخانه، مجبور شدیم صندلی‌ها را کمی نزدیک به هم و فشرده‌تر قرار دهیم. هنگام پذیرایی نیز به دلیل جذابیت و حساسیت بحث‌های مطرح شده، بسیاری از مهمانان حاضر، توجهی به شربت و شربنی نکردند و وسایل پذیرایی تدارک دیده شده، به صورت دست نخورده باقی ماند.

شروع جلسه با یک شوخی از طرف استاد بود، چون از حدود ۲۰ نفری که در جلسه حاضر بودند تعدادی عربی بلد بودند و تعدادی به زبان فارسی تسلط داشتند و تعدادی تنها با زبان روسی آشنا بودند و استاد با حالتی شبیه شوخی فرمودند: من به چه زبانی باید صحبت کنم؟ قرار بر این شد که استاد به زبان فارسی صحبت کنند و مترجم به زبان روسی ترجمه کند.

استاد پس از حمد و ستایش خداوند و صلوات بر محمد مصطفی و خاندان گرامیش، سخنانشان را با تقدیر و تشکر و خوش‌آمدگویی به مهمانان شروع کردند و به عنوان مقدمه بحث، به جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام و سفارش رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره اهل

بیت که وجه مشترک میان شیعه و اهل سنت هستند اشاره کرده و فرمودند:

شنیدم که دوستان عازم اصفهان هستند. در آنجا از نزدیک شاهد فرهنگ اصیل و شاهد خیلی از چیزهایی که در تاریخ شنیدید، خواهید بود. بعد هم عازم مشهد هستید. مشهد، علاوه بر این که یک شهر بسیار زیبا و پیشرفته و متمدن است، قبر شریف فرزند رسول الله ﷺ نیز در آنجاست؛ و جالب این است که از قدیم تا الآن محل زیارت میلیونها شیعه و سنی بوده است. این، یعنی این که اهل بیت علیهم السلام نقطه مشترک بین تمام مسلمین بوده و هستند. همان چیزی که ترمذی با سند صحیح از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده که آن حضرت فرمودند: «إني تارك فيكم الثقلين، كتاب الله و عترتي أهل بيتي». <sup>۱</sup> می خواهم عرض کنم اهل بیت علیهم السلام نقطه مشترک بین مسلمین هستند و مظهر این اشتراک، مشهد است. شیعه و سنی برای زیارت به این مضجع شریف می آیند و این عمل، منحصر به امروز نیست، بلکه از صدها سال قبل این سیره وجود داشته است.

۱. «إني قد تركت فيكم ما إن أخذتم به لن تضلوا، كتاب الله و عترتي أهل بيتي». سنن الترمذی: ص ۶۷۸، كتاب المناقب، باب مناقب أهل بيت النبي ﷺ، ح ۳۷۸۶. «إني تارك فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا بعدي، أحدهما أعظم من الآخر، كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض و عترتي أهل بيتي و لن يتفرقا حتى يردا عليّ الحوض، فانظروا كيف تخلفوني فيهما». سنن الترمذی: ص ۶۷۹، كتاب المناقب، باب مناقب أهل بيت النبي ﷺ، ح ۳۷۸۸ و المسند: ج ۳، ص ۱۴، مسند أبي سعيد الخدري.

### استناد به سیره ابن حبان در قرن سوم هجری

سخن به این جا که رسید حضرت استاد برای این که ادعایشان مستند باشد مطالب ابن حبان درباره امام رضا علیه السلام را از کتاب «الثقات» خواندند و فرمودند: ابن حبان از علمای بزرگ اهل سنت است و همه شما او را می شناسید. او متولد ۲۷۵ هجری است و در سال ۳۵۴ هجری وفات کرده است. یعنی تقریباً ۱۱۰۰ سال از زمان ابن حبان می گذرد. ابن حبان در کتاب «الثقات» می گوید: هر وقت مشکلی برایم پیش می آمد به زیارت قبر امام رضا علیه السلام می رفتم و دعا می کردم و مشکلم حل می شد و این را چندین بار تجربه کردم. خدایا مرا با محبت پیامبر و اهل بیتش علیهم السلام بمیران.<sup>۱</sup>

وقتی حضرت استاد عین عبارت و متن عربی ابن حبان را خواندند و مترجم برایشان ترجمه کرد، همگی بهت زده و متعجب شده و سکوت کرده بودند. یکی از حاضرین که به نظر می رسید اطلاع زیادی از شخصیت و جایگاه ابن حبان نزد اهل سنت نداشت و یا این که خودش را به نادانی زده بود و قصد کوچک جلوه دادن

---

۱. «قبره بسنا باذ خارج النوقان مشهورٌ یزار بجنب قبر الرشید، قد زرتہ مراراً کثیرة و ما حلّت پی شدّة فی وقت مقامی بطوس فرزتُ قبر علی بن موسی الرضا صلوات الله علی جدّه و علیه و دعوتُ الله إزالتهّا عنّی إلا استجیب لی و زالت عنّی تلك الشدة و هذا شیء جرّبتہ مراراً، فوجدته كذلك، أماتنا الله علی محبّة المصطفى و أهل بیته صلی الله علیه و علیهم أجمعین». الثقات: ج ۸، ص ۴۵۷، شرح حال علی بن موسی الرضا علیه السلام.

ابن حبان و کم اهمیت نشان دادن عمل و رفتار او را داشت، درباره جایگاه و شخصیت ابن حبان پرسید. با اشاره و درخواست حضرت استاد، کتاب «سیر أعلام النبلاء» ذهبی را آوردم و استاد برخی از عبارات ذهبی درباره ابن حبان را برایشان خواندند. شمس‌الدین ذهبی که از بزرگان اهل سنت در قرن هشتم است در وصف ابن حبان می‌گوید: «الإمام، العلامة، الحافظ، شیخ خراسان، کان ابن حبان ثقة، نبیلاً، فهماً»<sup>۱</sup>.

استاد در ادامه سخنانشان و در راستای تکمیل استدلال خودشان فرمودند: ماجرای ابن حبان و رفتن به زیارت قبر امام رضا علیه السلام و درخواست حل مشکلاتش، در قرن سوم هجری اتفاق افتاده است و اهل سنت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت نقل می‌کنند که سه قرن اول بهترین قرن‌ها و کسانی که در سه قرن اول زندگی می‌کنند بهترین انسان‌ها هستند.<sup>۲</sup> و ماجرای ابن حبان و رفتن به زیارت قبر امام رضا علیه السلام نیز در یکی از بهترین قرون و توسط بهترین افراد صورت گرفته است، اما الآن می‌گویند توسل شرک است و حرام است.

۱. سیر أعلام النبلاء: ج ۱۶، ص ۹۲ - ۹۴، شرح حال ابن حبان، ش ۷۰.

۲. «خیرکم قرنی، ثم الذین یلوئهم ثم الذین یلوئهم». صحیح البخاری: ص ۵۲۶، کتاب الشهادات، ح ۲۶۵۲، و ص ۷۳۰، کتاب فضائل أصحاب النبی صلی الله علیه و آله، ح ۳۶۵۰ و ۳۶۵۱ و ص ۱۲۷۴ و ۱۲۷۵، کتاب الرقاق، ح ۶۴۲۸ و ۶۴۲۹.

### استناد به سیره صحابه و تابعین در قرن اول هجری

پس از نقل مطالب ابن حبان، حضرت استاد، مسعودی و کتابش «مروج الذهب و معادن الجواهر» را معرفی کرده و فرمودند: مسعودی از بزرگان علمای شافعیه است. او نویسنده کتاب مشهور و معروف «مروج الذهب و معادن الجواهر» است که تقریباً ۱۱۰۰ سال قبل یعنی در سال ۳۴۶ هجری فوت کرده است.<sup>۱</sup> ایشان در کتابش توسل صحابه به قبر شریف پیامبر ﷺ را نقل می‌کند. او می‌گوید: «فی سنة ثلاث و خمسين هلك زياد بن أبيه... و قد كان كتب إلى معاوية أنه قد ضبط العراق بيمينه، و شماله فارغة فجمع لها الحجاز مع العراقيين. و اتصلت ولايته بأهل المدينة، فاجتمع الصغير و الكبير بمسجد رسول الله ﷺ و ضجوا إلى الله و لاذوا بقبر النبي ﷺ ثلاثة أيام، لعلمهم بما هو عليه من الظلم و العسف. فخرجت في كفه بثره ثم حكها ثم سرت و اسودت فصارت آكلة سوداء، فهلك بذلك».<sup>۳</sup> در سال ۵۳ هجری، معاویه زیاد بن ابیه را به استناداری مدینه منصوب کرد، مردم مدینه چون از ظلم‌ها و جنایات زیاد بن ابیه خبر داشتند وقتی خبر منصوب شدن زیاد بن ابیه به عنوان

- 
۱. برای آشنایی بیشتر با شرح حال مسعودی به کتاب طبقات الشافعیة الكبرى: ج ۳، ص ۴۵۶ - ۴۵۷، شرح حال علی بن حسین مسعودی، ش ۲۲۵، مراجعه شود.
  ۲. البثره: خراج صغیر يظهر بالجلد.
  ۳. مروج الذهب و معادن الجواهر: ج ۳، ص ۳۲، ذکر خلافة معاوية بن أبي سفيان، ذکر لمع من أخباره و سیره و نوادر من بعض أفعاله، موت زیاد.

حاکم مدینه به گوششان رسید، همگی (بزرگ و کوچک) در مسجد پیغمبر جمع شدند و به مدت سه روز به قبر پیغمبر ﷺ پناهنده شدند و به آن حضرت متوسل شدند تا از شر او در امان بمانند.

حضرت استاد پس از خواندن عین متن عربی و ترجمه بخشی از آن، برای این که هیچ شبهه‌ای نماند و همه شک و تردیدهای حاصل از ترجمه مترجم از بین برود، از یکی از علمای اهل سنت حاضر در جلسه که کمی به زبان عربی و روسی تسلط داشت، خواستند تا عین عبارات مسعودی را برای سایر حضار ترجمه کنند؛ ولی متأسفانه در ترجمه عبارت «لاذوا بقبر النبی» تصرف کرد و اصرار داشت که بگوید: اهالی مدینه از خداوند خواستند تا مشکلشان را برطرف نماید، ولی با اصرار استاد بر عبارت مسعودی که می‌گوید: «لاذوا بقبر النبی» عین عبارت مسعودی ترجمه شد. حضرت استاد در تصحیح و رد ترجمه صورت گرفته، فرمودند: خداوند در همه جا حاضر است و اگر قرار بود اهالی مدینه حل مشکلشان را از خداوند بخواهند، لازم نبود به مسجد پیغمبر و کنار قبر رسول الله ﷺ بروند و به قبر آن حضرت پناهنده شوند، بلکه می‌توانستند در خانه‌های خودشان و یا در مساجد دیگر حل مشکلشان را از خداوند بخواهند.

حضرت استاد پس از نقل و توضیح عبارات ابن حبان و مسعودی، خطاب به حاضرین فرمودند: با توجه به آنچه در این



کتاب‌ها موجود است معلوم می‌شود که مسأله توسل و استغاثه، پناه بردن به قبور و زیارت قبور جزء فرهنگ و سیره سلف بالأخص صحابه پیامبر ﷺ و در قرن اول هجری بوده است.

### استناد به سیره مسلمانان در قرن سوم هجری

حضرت استاد برای این که حجت را بر همه حضار تمام کنند و همه شک و شبهه‌ها در جواز زیارت قبور و استغاثه و توسل و تبرک و پناهنده شدن به قبور را از اذهان پاک کنند به مورد دیگری از سیره سلف درباره جواز این امور و عمل به این امور را ذکر کرده و فرمودند: می‌خواهم یک مورد جالب دیگر را که نشان می‌دهد راه و روش مسلمانان اعم از شیعه و سنی با روش وهابیت فرق می‌کند، برایتان بخوانم. ابن حجر عسقلانی در کتاب «فتح الباری بشرح صحیح البخاری» مطلبی را در مورد تبرک مردم به خاک قبر بخاری نقل می‌کند. او می‌گوید: وقتی بخاری در سال ۲۵۶ هجری وفات کرد و او را دفن کردند، مردم از خاک قبرش برای تبرک بر می‌داشتند. مردم به حدی از خاک قبر بخاری برداشتند که از ترس نمایان شدن بدن بخاری بر روی قبرش ضریح گذاشتیم.<sup>۱</sup>

۱. «و جعل الناس یختلفون إلى القبر أياماً يأخذون من ترابه إلى أن جعلنا عليه خشباً مشبكاً». هدی الساری مقدمه فتح الباری: ص ۵۱۸، الفصل العاشر فی عدّ أحادیث الجامع، شرح حال بخاری، ذکر رجوعه إلى بخاری و ما وقع بینه و بین أميرها و ما اتصل بذلك من وفاته.

عین همین مطلب را سبکی یکی دیگر از علمای بزرگ شافعیه در کتاب «طبقات الشافعیه الکبری» و در شرح حال بخاری نقل کرده است.<sup>۱</sup>

نکته جالب این ماجرا هم این است که در قرن سوم که طبق روایات موجود در کتب اهل سنت یکی از بهترین قرن‌ها می‌باشد، صورت گرفته است.

حضرت استاد پس از نقل مطالب ابن حبان، مسعودی و ابن حجر عسقلانی فرمودند: مطالبی که برایتان نقل کردم از کتاب‌های معروف اهل سنت نقل شد و همه شما ابن حجر عسقلانی، ابن حبان، مسعودی و سبکی را می‌شناسید. همه این عالمان می‌گویند: زیارت قبور، توسل، تبرک و پناهنده شدن به قبور انبیاء و صلحاء از آموزه‌ها و سیره اهل سنت و سلف است و نشان می‌دهد توسل و تبرک بین صحابه و تابعین و تابع تابعین وجود داشته و این افراد در بهترین قرون و به ادعای خودتان جزو بهترین انسان‌ها هستند. کسانی که ادعا می‌کنند سلفی و تابع سلف هستند باید به عمل و سیره سلف پایبند و معتقد باشند و از آن تبعیت کنند.

حضرت استاد در پایان مباحث مقدماتی خودشان چند سوال مطرح کرده و خطاب به علمای اهل سنت حاضر در جلسه

۱. طبقات الشافعیة الکبری: ج ۲، ص ۲۳۴، شرح حال بخاری، ذکر النبأ عن وفاته، ش ۵۴.

فرمودند: آیا امروز می‌توانیم فرهنگ توسل و تبرک را در مکه و مدینه پیاده کنیم؟

آیا می‌توانیم سه روز کنار قبر پیامبر ﷺ توسل داشته باشیم؟  
 آیا می‌توانیم مقداری از خاک قبر پیامبر ﷺ را به عنوان تبرک برداریم؟

دو راه بیشتر وجود ندارد، اگر حرف وهابیت نجد و قصیم درست است، پس همه سلف حتی صحابه پیامبر اکرم ﷺ مشرک هستند! و اگر مطالب ابن حبان، مسعودی، ابن حجر و سبکی درست است، پس روش وهابیت غیر از دین اسلام و روش سلف است و نشان می‌دهد وهابی‌ها مسلمان نیستند؛ چون نمی‌شود بین این دو مطلب جمع کرد.

حضرت استاد با متذکر شدن مشکلات امروز دنیای اسلام، تفکر وهابیت را عامل این مشکلات دانسته و فرمودند: امروز امت اسلام گرفتار همین تفکر وهابیت شده است. یمن را بمباران می‌کنند و هزاران نفر را می‌کشند، سوریه را بمباران می‌کنند و ۱۰ میلیون سوری را آواره می‌کنند، در کشور عراق ۳ میلیون آواره وجود دارد، چرا؟ چون به پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام متوسل می‌شوند و «یا محمد» و «یا علی» می‌گویند.

### استناد به سیره صحابه در سال ۱۱ هجری

وقتی بحث به اینجا رسید حضرت استاد یاد مطلب مربوط به تاریخ طبری و شعار سپاه صحابه و تابعین در جنگ با مسیلمه کذاب افتاده و تاریخ طبری را از من خواستند. کتاب تاریخ طبری را برایشان حاضر کردم و استاد به نقل مطلب مربوطه پرداخته و فرمودند: طبری درباره سپاهی که ابوبکر برای جنگ با مسیلمه کذاب فرستاده بود، می‌نویسد: لشکر مسلمانان (که متشکل از صحابه و تابعین بود) هنگام حمله، با شعار «یا محمداه» به دشمن حمله کردند. و به اصطلاح رمز عملیات مسلمانان در جنگ با مسیلمه کذاب «یا محمداه» بود<sup>۱</sup> اما وهابی‌ها می‌گویند: هر کس «یا محمد»، «یا علی» و «یا حسین» بگوید مشرک است.<sup>۲</sup>

۱. «و كان شعارهم يومئذ يا محمداه». تاريخ الأمم و الملوك: ج ۲، ص ۲۸۱، حوادث سال ۱۱ هجری، ذکر بقیة خبر مسیلمة الكذاب و قومه من أهل الیمامة.
۲. «أنا من قبيلة تسكن في الحدود الشمالية و مختلطين نحن و قبائل من العراق و مذهبهم شیعة و ثنية یعبدون قیباً و یسمونها بالحسن و الحسین و علی و إذا قام أحدهم قال: یا علی، یا حسین. و قد خالطهم البعض من قبائلنا فی النکاح و فی کل الأحوال و قد وعظتهم و لم یسمعوا و هم فی القرایا و المناصب و أنا ما عندي أعظم بعلم و لكن إني أكره ذلك و لأخالطهم و قد سمعت أن ذبحهم لا یؤکل و هؤلاء یأكلون ذبحهم و لم یقتیدوا و نطلب من ساحتكم توضیح الواجب نحو ما ذكرنا. إذا كان الواقع كما ذكرت من دعائهم علیاً و الحسن و الحسین و نحوهم فهم مشرکون شرکاً أكبر یخرج من ملة الإسلام، فلا یجّل أن نزوّجهم المسلمات و لا یجّل لنا أن ننزوّج من نسائهم و لا یجّل لنا أن نأكل من ذبائحهم». فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة و الإفتاء: ج ۲، ص ۳۷۳، حکم أكل ذبائح من یدعون الحسن و الحسین و علیاً عند الشدائد، السؤال الأول من الفتوى رقم ۳۰۰۸.

[حال که سخن به اینجا رسید به یاد مناظره جالب حضرت استاد با یکی از وهابی‌های عربستان سعودی افتادم و به نظرم ذکر بخشی از آن مناظره که مربوط به توسل بوده خالی از لطف نباشد. حضرت استاد می‌فرمودند: در یکی از مسافرت‌هایم به عربستان سعودی با یکی از علمای وهابی قرار ملاقات و مناظره‌ای را گذاشتیم. بحث ما به توسل رسید. من گفتم: توسل از زمان صحابه بوده و صحابه به پیامبر ﷺ متوسل می‌شدند. عالم وهابی گفت: توسل شرک است و اصلاً چنین چیزی امکان ندارد. گفتم: کتاب «البدایة و النهایة» ابن کثیر را در کتابخانه‌ات داری؟ گفت: آری. گفتم: جلد مربوط به حوادث سال ۱۱ هجری را برایم بیاورید. جلد مربوطه را آوردند. کتاب را باز کردم و در حوادث سال یازده هجری توسل صحابه به پیامبر ﷺ را در جنگ با مسیلمه کذاب به او نشان دادم.<sup>۱</sup> عالم وهابی از دیدن مطلب تعجب کرد و کمی به فکر فرو رفت و پس از مدتی گفت: این مطلب ضعیف است. گفتم: اول ادعا کردی چنین چیزی وجود ندارد، اما الان می‌گویی ضعیف است. گفتم: ابن کثیر شاگرد ابن تیمیه است. اگر توسل را شرک و حرام می‌دانست حتی همین مطلب ضعیف را هم نباید در کتابش ذکر می‌کرد و نباید آن را به لشگر ابوبکر نسبت دهد.]

۱. البدایة و النهایة: ج ۶، ص ۳۲۹، حوادث سال ۱۱ هجری، مقتل مسیلمة الکذاب.

### سؤال یکی از حاضران

هنوز سخنان حضرت استاد درباره توسل و تبرک تمام نشده بود که یکی از حاضرین در جلسه به استاد عرض کردند: اگر امکان دارد حدیث ثقلین را از صحیح بخاری و مسلم برایمان بخوان. برداشت من از تقاضای ایشان این بود که در میان اهل سنت به گونه‌ای تلقین می‌کنند که گویا همه مطالب باید از کتاب صحیح بخاری و مسلم نقل شود و هر مطلبی که در این دو کتاب نباشد، مطلب صحیح و درستی نیست و حال این که خود بخاری می‌گوید: بسیاری از روایات صحیح را به خاطر اختصار و طولانی نشدن، نقل نکردم.<sup>۱</sup>

حضرت استاد در پاسخ ایشان فرمودند: بخاری حدیث ثقلین را نقل نکرده، اما در صحیح مسلم، سنن ترمذی و مسند احمد بن حنبل وجود دارد. اگر کمی صبر و تحمل داشته باشید حتما حدیث ثقلین را از کتاب‌های مذکور برایتان نقل خواهم کرد.

۱. «لم أخرج في هذا الكتاب إلا صحيحاً و ما تركت من الصحيح كان أكثر». «قال الإسماعيلي: لأنه لو أخرج كل صحيح عنده لجمع في الباب الواحد حديث جماعة من الصحابة و لذكر طريق كل واحد منهم إذا صحّت فيصير كتاباً كبيراً جداً». هدي الساري مقدمة فتح الباري: ص ۹، كيف ألف البخاري كتابه الصحيح. «قال ابراهيم (بن معقل الثقفي): و سمعته يقول: ما أدخلت في كتابي الجامع إلا ما صحّ و تركت من الصحاح لخال الطول». تهذيب الكمال في أسماء الرجال: ج ۱۶، ص ۹۱، شرح حال بخاری، ش ۵۶۴۶ و تهذيب التهذيب: ج ۹، ص ۴۲، شرح حال محمد بن اسماعيل بخاری، ش ۵۳.

حضرت استاد به سخنانشان درباره تبرک و توسل ادامه داده و روایت جالبی را از صحیح مسلم برای حاضرین در جلسه خوانده و باعث بهت همگی آنان شده و فرمودند: مسلم در کتاب صحیحش به نقل از اسماء خواهر عایشه می‌گوید: قبای پیامبر ﷺ بعد از رحلتش نزد عایشه بود، هنگامی که عایشه از دنیا رفت من قبا را گرفتم. هرگاه شخصی مریض می‌شد قبای پیامبر را داخل ظرفی می‌گذاشتیم و روی آن آب می‌ریختیم و آن آب را به عنوان داروی شفابخش به مریض‌ها می‌دادیم.<sup>۱</sup>

حضرت استاد در توضیح و تبیین روایت مسلم فرمودند: اسماء در سال ۷۳ هجری از دنیا رفته است.<sup>۲</sup> در روایت مسلم تعبیر «تُستشفى» دارد، یعنی طلب شفا از قبای پیامبر ﷺ. با توجه به وفات اسماء در سال ۷۳ هجری معلوم می‌شود که قبای پیامبر ﷺ حدود ۶۰ سال بعد از رحلت آن حضرت برای طلب شفای مریض‌ها توسط عایشه و خواهرش اسماء مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

۱. «... هذه جبة رسول الله ﷺ فأخرجت إليَّ جبة طيالة كسروانية لها لينة ديباج و فرجها مكفوفين بالدباج، فقالت: هذه كانت عند عائشة حتى قبضت فلما قبضت قبضتها و كان النبي ﷺ يلبسها، فنحن نغسلها للمرضى تُستشفى [يُستشفى] بها». صحیح مسلم: ص ۹۸۰، کتاب اللباس و الزينة، باب ۱، تحريم لبس الحرير و غير ذلك للرجال، ح ۵۳۷۶/۲۰۶۹/۱۰.

۲. برای آشنایی بیشتر با شرح حال أسماء دختر ابوبکر به کتاب سیر أعلام النبلاء: ج ۲، ص ۲۸۷-۲۹۶، ش ۵۲، مراجعه شود.

نووی یکی از مهمترین شارحان صحیح مسلم در شرح همین روایت می‌نویسد: این روایت نشان می‌دهد که تبرک به لباس‌ها و آثار صالحین، امری مستحب و جایز است.<sup>۱</sup>

حضرت استاد پس از نقل مطلب مربوط به قبای پیامبر ﷺ باز هم حاضرین را خطاب قرار داده و پرسیدند: ای اهل فکر! آیا امروز در مکه و مدینه می‌شود چنین کاری را انجام داد؟ یکی از حاضرین، در پاسخ سؤال حضرت استاد به شوخی عرض کرد: در روسیه مکانی وجود دارد که توسل و تبرک و این اعمال را در آنجا می‌شود انجام داد.

اما یکی دیگر از علمای حاضر در جلسه که سخنش کمی جدی به نظر می‌رسید، عرض کرد: امروزه قبای پیامبر ﷺ وجود ندارد تا بتوان از آن برای استشفاء و درمان مریضی‌ها استفاده کرد. برداشت من از سخن او این بود که اصل استشفاء به قبا و آثار به جا مانده از پیامبر ﷺ را قبول دارد.

حضرت استاد در پاسخ نفر دوم فرمودند: سخن درباره خصوص قبای پیامبر ﷺ نیست تا بگویید قبا از بین رفته و وجود ندارد و الا طلب شفا از قبای پیامبر ﷺ را قبول داریم، بلکه سخن درباره

---

۱. «و في هذا الحديث دليل على استحباب التبرك بأثار الصالحين و ثيابهم». المنهاج في شرح صحيح مسلم بن الحجاج: ج ۵، ص ۲۳۷، كتاب اللباس و الزينة، باب تحريم الذهب و الحرير على الرجال و إباحته للنساء، شرح حديث ۲۰۶۹/۱۰.



تفکر وهابیت است که چنین اعمالی را حرام می‌داند.

### ارائه حدیث ثقلین از مهمترین منابع اهل سنت

هنگامی که سخنان حضرت استاد درباره زیارت قبور، توسل، تبرک و طلب شفاء تمام شد، مطابق قولی که به یکی از حاضرین در جلسه داده بودند، به نقل حدیث ثقلین از صحیح مسلم و سنن ترمذی و مسند احمد بن حنبل پرداخته و فرمودند:

مسلم بن حجاج نیشابوری حدیث ثقلین را این‌گونه از رسول خدا ﷺ نقل کرده: «...أنا تارك فيكم ثقلين أولهما كتاب الله فيه الهدى والنور، فخذوا بكتاب الله واستمسكوا به، فحث على كتاب الله ورغب فيه. ثم قال: وأهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي...»<sup>۱</sup>.

احمد بن حنبل نیز به نقل از ابوسعید خدری می‌نویسد: پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «إني تارك فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر، كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض؛ وعترتي أهل بيتي وإنيما لن يفترقا حتى يردا عليّ الحوض»<sup>۲</sup>.

و ترمذی در کتاب معروف سنن ترمذی در بحث مناقب اهل

۱. صحیح مسلم: ص ۱۱۱۳، کتاب فضائل الصحابة، باب من فضائل علي بن أبي طالب، ح ۳۶/۲۴۰۸/۶۱۷۵.

۲. المسند: ج ۳، ص ۱۴، مسند أبي سعيد الخدري.

بیت ﷺ از قول جابر بن عبدالله می گوید: رسول خدا ﷺ را هنگام حج و در روز عرفه دیدم که بر شتر مخصوص خود سوار بود و خطبه می خواند، شنیدم که می فرمود: «یا أيها الناس! إني قد تركت فيكم ما إن أخذتم به لن تضلوا، كتاب الله وعتري أهل بيتي»<sup>۱</sup>.  
حضرت استاد وقتی حدیث ثقلین را از کتاب های مذکور خواندند، در راستای تکمیل استدلال و هدایت حاضران به سوی اهل بیت ﷺ، سؤالی را مطرح کرده و فرمودند:

اهل بیت پیامبر ﷺ را چه کسی باید تعیین و مشخص و به مردم معرفی کند؟ خود پیامبر ﷺ یا شخص دیگر؟ اهل بیت شما را شما باید مشخص و معرفی کنید یا من؟ من اهل بیت شما را بهتر می شناسم یا خودتان؟

حضرت استاد برای دادن پاسخ به سؤالی که مطرح کرده بودند، کتاب «سیر أعلام النبلاء» ذهبی را خواستند و من نیز فوراً حاضر کردم. استاد با توجه به مطلبی که ذهبی نقل کرده، فرمودند: مسلم است که کسی بهتر از خود پیامبر ﷺ نمی تواند اهل بیتش را معرفی نماید. لذا ذهبی می گوید: روایت صحیح داریم که پیامبر اکرم ﷺ حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ را در زیر

۱. سنن الترمذی: ص ۶۷۸، کتاب المناقب، باب ۳۲، باب مناقب أهل بیت النبی ﷺ، ح ۳۷۸۶.

کسا و عبایی جمع نموده و فرمودند: اللهم هؤلاء أهل بيتي...<sup>۱</sup>. حضرت استاد مباحث مقدماتی خودشان را در دو نکته خلاصه کردند و فرمودند:

**نکته اول:** سلف و صحابه و تابعین زیارت قبور، توسل و تبرک را جایز دانسته و عمل می‌کردند، اما امروزه عده‌ای پیدا شده‌اند و این اعمال را شرک و حرام می‌دانند و این جریان، جریان اسلامی نیست. وظیفه شما علماست که مردم را آگاه کنید.

**نکته دوم:** این که از اهل بیت علیهم‌السلام منحرف شده‌ایم و باید به سمت اهل بیت علیهم‌السلام برگردیم. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مسلمانان را به سوی قرآن و اهل بیت خودش دعوت کرده و تمسک همزمان به قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام را ضامن هدایت و گمراه نشدن مسلمانان قرار داده است. مهمترین گمشده امروز مسلمانان، اهل بیت پیامبر هستند. تمسک به اهل بیت علیهم‌السلام یعنی عمل به رهنمودهای اهل بیت، کما این که تمسک به قرآن یعنی عمل به دستورات قرآن. صرف محبت اهل بیت کافی نیست، بلکه باید به روایات، فقه و اخلاق اهل بیت علیهم‌السلام عمل کنیم.

---

۱. «و صحَّ أن النبي صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جَلَّلَ فاطمة و زوجها و ابניהما بكساء و قال: اللهم هؤلاء أهل بيتي، اللهم فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهراً». سير أعلام النبلاء: ج ۲، ص ۱۲۲، شرح حال حضرت فاطمه علیها‌السلام، ش ۱۸.

## اشکال یکی از حاضران به ماجرای ابن‌حبان و رفتن به زیارت قبر امام رضا علیه السلام

پس از پایان یافتن سخنان مقدماتی حضرت استاد، پرسش و پاسخ درباره مطالب نقل شده شروع شد و یکی از حاضرین در جلسه درباره مطلبی که حضرت استاد از ابن‌حبان نقل کردند، اشکالی داشته و عرض کرد: ابن‌حبان می‌گوید: «دعوتُ الله» یعنی از خدا خواستم تا مشکلم را حل کند، نه امام رضا، و درخواست از خداوند بهتر است.

### پاسخ حضرت استاد

حضرت استاد در پاسخ به سؤال مطرح شده فرمودند:

**اولا:** خداوند در همه جا حضور دارد، چرا ابن‌حبان برای حل مشکلاتش، کنار قبر امام رضا علیه السلام می‌رود و از خداوند درخواست می‌نماید؟ معلوم می‌شود کنار قبر امام رضا علیه السلام ویژگی و موضوعیت دارد که ابن‌حبان بارها به آنجا رفته است. اگر کنار قبر امام رضا علیه السلام مدخلیت و موضوعیت ندارد، چرا در خانه خودش و یا مسجد نزدیک خانه‌اش حل مشکلاتش را از خدا نمی‌خواهد؟

**ثانیا:** ما هم قبول داریم که درخواست از خداوند بهتر است و ابن‌حبان در کنار قبر امام رضا علیه السلام از خداوند درخواست کرد و معتقدیم هم می‌شود به طور مستقیم از خداوند درخواست کرد و

هم کنار قبر امام رضا علیه السلام رفت و ایشان را واسطه قرار داد؛ پس هر دو عمل جایز هست. ولی آیا الآن در مکه و یا مدینه می شود این کار را کرد؟ آیا آنان این عمل را جایز می دانند؟ نه تنها جایز نمی دانند، بلکه حرام می دانند. درگیری مسلمانان با وهابیان در افضلیت این عمل نیست، بلکه سخن در جواز و تحریم است. همه مسلمانان رفتن به زیارت قبور و واسطه قرار دادن آنان و متوسل شدن به صاحبان قبور را جایز می دانند، اما وهابیان چنین اعمالی را حرام می دانند.

**ثالثاً:** در سیره و رفتار صحابه و تابعین مواردی را داریم که حل مشکلاتشان را از غیر خدا صلی الله علیه و آله و سلم (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از رحلتشان) خواسته اند. من از کتاب های شما به یک مورد اشاره می کنم تا معلوم شود که حل مشکلات را از غیر خدا هم می شود درخواست کرد.

### استناد به سیره صحابه در زمان خلیفه سوم

طبرانی متوفای ۳۶۰ هجری در کتاب «المعجم الکبیر» واقعه جالبی را در همین رابطه از یکی از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به نام عثمان بن حنیف نقل کرده است. ماجرا از این قرار است که در زمان خلیفه سوم و حدود بیست سال پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شخصی برای حل مشکلش تصمیم داشت نزد خلیفه سوم برود، ولی خلیفه جواب رد می داد و اجازه ملاقات نمی داد. آن

شخص نزد عثمان بن حنیف صحابی آمد و ماجرا را برایش تعریف کرد. عثمان بن حنیف به او گفت: وضو بگیر و برو کنار قبر پیامبر ﷺ و دو رکعت نماز بخوان و سپس این دعا را بخوان: «اللهم إني أسئلك وأتوجه إليك بنبينا محمد ﷺ نبي الرحمة، يا محمد! إني أتوجه بك إلى ربي فتقضي لي حاجتي...». فرد گرفتار، به سفارش عثمان بن حنیف عمل کرد و وضو گرفت و کنار قبر رسول خدا ﷺ رفت و دو رکعت نماز خواند و سپس دعایی را که عثمان بن حنیف یاد داده بود، خواند و به سمت خانه خلیفه سوم راه افتاد. همین که نزدیک خانه خلیفه سوم رسید، دربان خانه خلیفه دستش را گرفت و داخل خانه برد و در کنار خلیفه بر روی تشک نشاند. خلیفه سوم از آن شخص معذرت خواهی کرد و گفت: تو را فراموش کرده بودم و همین الآن یادم آمد و سپس پرسید: مشکلت چیست؟ آن شخص مشکلش را بیان کرد و خلیفه دستور رسیدگی داد و مشکلش حل شد و حاجتش برآورده شد و از خانه خلیفه سوم بیرون آمد. در مسیر راه با عثمان بن حنیف مواجه شد. او که فکر می‌کرد عثمان بن حنیف وساطت کرده و سفارش او را نزد خلیفه سوم کرده، از عثمان بن حنیف به خاطر وساطت و کمکی که کرده بود، تشکر کرد و گفت: اگر درباره من و مشکلم پیش خلیفه وساطت نمی‌کردی، خلیفه به من و مشکلم توجه نمی‌کرد. عثمان بن حنیف گفت: من هیچ وساطتی بین تو و خلیفه انجام

نداده و سفارشی نکرده‌ام، بلکه اثر همان دعایی بود که به تو یاد دادم، زیرا روزی نزد رسول خدا ﷺ حاضر بودیم، شخص نایبانی خدمت آن حضرت آمد و از مشکلات نایبانی اش گفت. رسول خدا ﷺ او را به صبر توصیه کردند، اما آن فرد نایبنا گفت: من تنها هستم و کسی را ندارم که دستم را بگیرد. رسول خدا ﷺ به آن مرد نایبنا گفتند: وضو بگیر و دو رکعت نماز بخوان و سپس همین دعا را به او یاد دادند. هنوز لحظاتی نگذشته بود که همان مرد نایبنا در حالی که کاملاً بی‌نا شده بود، نزد رسول خدا ﷺ برگشت.<sup>۱</sup>

این ماجرا به خوبی نشان می‌دهد که توسل به رسول خدا ﷺ

۱. «أَنَّ رجلاً كان يختلف إلى عثمان بن عفان في حاجة له، فكان عثمان لا يلتفت إليه ولا ينظر في حاجته، فلقي ابن حنيفة فشكى ذلك إليه، فقال له عثمان بن حنيفة: إئت الميضاة فتوضأ ثم إئت المسجد فصل في ركعتين ثم قل: اللهم إني أسألك وأتوجه إليك بنبينا محمد نبي الرحمة، يا محمد! إني أتوجه بك إلى ربي فتقضي لي حاجتي وتذكر حاجتك... فانطلق الرجل، فصنع ما قال له، ثم أتى باب عثمان بن عفان، فجاء البواب حتى أخذ بيده، فأدخله على عثمان بن عفان، فأجلسه معه على الطنفسة، فقال: حاجتك؟ فذكر حاجته وقضاها له، ثم قال له: ما ذكرت حاجتك حتى كان الساعة وقال: ما كانت لك من حاجة فأذكرها، ثم إن الرجل خرج من عنده، فلقي عثمان بن حنيفة، فقال له: جزاك الله خيراً! ما كان ينظر في حاجتي ولا يلتفت إليّ حتى كلمته في. فقال عثمان بن حنيفة: والله ما كلمته، ولكني شهدت رسول الله ﷺ وأتاه ضرير، فشكى إليه ذهاب بصره، فقال له النبي ﷺ: فتصبر. فقال: يا رسول الله! ليس لي قائد وقد شق عليّ. فقال النبي ﷺ: إئت الميضاة فتوضأ ثم صل ركعتين، ثم ادع بهذه الدعوات. قال ابن حنيفة: فوالله ما تفرقنا و طال بنا الحديث حتى دخل علينا الرجل كأنه لم يكن به ضرر قط. المعجم الكبير: ج ۹، ص ۳۰ - ۳۱، ح ۸۳۱۰، ما أسند عثمان بن حنيفة.

را خود پیامبر به صحابه آموخته است و برای حل شدن مشکلات می‌توان به رسول خدا ﷺ متوسل شده و آن حضرت را واسطه قرار داد و صحابه نیز به رسول خدا ﷺ متوسل شده‌اند؛ اما ابن- تیمیه که حدود ۷۰۰ سال پس از دوران صحابه به دنیا آمده، می‌گوید: هر کس نزد قبور انبیاء و صالحان برود و حوائجش را نزد آنان مطرح کند و حل مشکلاتش را از صاحبان قبور بخواهد، مشرک است و باید توبه کند و الا باید کشته شود.<sup>۱</sup>

وهابیان می‌گویند: شیعه مشرک است و از دین اسلام خارج است، ازدواج با دختران شیعیان جایز نیست و دخترانتان را نیز به پسران شیعه ندهید و اگر چنین ازدواجی صورت بگیرد عقد ازدواج باطل است، چون شیعیان به اهل بیت علیهم‌السلام متوسل می‌شوند و «یا علی» و «یا حسن» می‌گویند.<sup>۲</sup>

حضرت استاد پس از پاسخ دادن به سؤال مطرح شده، دوباره

۱. «من يأتي إلى قبر نبي أو صالح و يسأله حاجته و يستنجده، مثل أن يسأله أن يزيل مرضه، أو مرض دوابه، أو يقضي دينه، أو ينتقم له من عدوه، أو يعافي نفسه و أهله و دوابه و نحو ذلك مما لا يقدر عليه إلا الله عز وجل، فهذا شرك صريح، يجب أن يستتاب صاحبه، فإن تاب و إلا قتل» و قال كثير من الضلال: هذا أقرب إلى الله مني و أنا بعيد من الله لا يمكنني أن أدعوه إلا بهذه الوسطة و نحو ذلك من أقوال المشركين. زيارة القبور و الإستنجاد بالمقبور: ص ۱۷ و ۲۱، حكم من يأتي إلى قبر نبي أو صالح و يسأله و يستنجد به.

۲. «لا يجوز تزويج بنات أهل السنه من أبناء الشيعة و لا من الشيوعيين و إذا وقع النكاح فهو باطل، لأن المعروف عن الشيعة دعاء أهل البيت و الإستغاثة بهم و ذلك شرك أكبر». فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء: ج ۱۸، ص ۲۹۹، كتاب النكاح (۱)، فتاوى شماره ۲۰۰۱۱.



علمای حاضر در جلسه را به وحدت بین شیعه و سنی و گفتن حقائق و دفاع از اسلام اصیل و آموزه‌های آن دعوت کرده و فرمودند: ما از امثال شما توقع داریم که حقائق را به مردم بگویید. ما امروز نیاز به وحدت اسلام داریم. دشمن همه ما مشترک است. دیدید چه بلایی سر غزه آورد؟ مگر غزه شیعه است؟ مگر سوریه شیعه است؟ دشمنان اسلام با محمد ﷺ و قرآن و امت اسلام مخالفند.

**قرار دادن حدیث «علیکم بسنتی و سنته الخلفاء» در مقابل حدیث**

### ثقلین

با توجه به مباحثی که حضرت استاد درباره حدیث ثقلین نقل کرده و امت اسلامی و علمای اهل سنت را به رجوع و تمسک به اهل بیت علیهم‌السلام دعوت کرده بودند، یکی از حاضرین در جلسه حدیث «علیکم بسنتی و سنته الخلفاء الراشدين»<sup>۱</sup> را مطرح کرده و گفتند: رسول خدا مسلمانان را به پیروی از سنت خلفاء سفارش کرده‌اند.

### پاسخ حضرت استاد

حضرت استاد در پاسخ فرمودند: حدیث «علیکم بسنتی و سنته

۱. «علیکم بسنتی و سنته الخلفاء المهدیین الراشدين...». سنن أبي داود: ص ۵۳۵، کتاب السنة، باب ۶۶ فی لزوم السنة، ح ۴۶۰۷ و المسند: ج ۴، ص ۱۲۶، حدیث العریاض بن ساریة.

الخلفاء الراشدين» علاوه بر اشکال سندی، از نظر دلالتی نیز اشکال دارد. حضرت استاد در توضیح و تبیین اشکال دلالتی از شخصی که حدیث را مطرح کرده بود، پرسیدند: آیا سنت خلفای راشدین چیزی غیر از سنت پیامبر ﷺ است؟ یا همان سنت پیامبر ﷺ و مطابق با سنت آن حضرت است؟ سنت خلفای راشدین اگر با سنت پیامبر ﷺ متفاوت و متغایر است! در این صورت معنی ندارد پیامبر ﷺ ما را به چیزی که با سنتش متغایر است، سفارش کرده باشد. و اگر سنت خلفای راشدین همان سنت پیامبر ﷺ است و فرقی با سنت پیامبر ﷺ ندارد، باز هم سفارش به سنت خلفای راشدین معنی و اثر خاصی ندارد. علمای اهل سنت در سند و دلالت این حدیث مناقشه کرده‌اند.

[در راستای تکمیل بحث حضرت استاد به بخشی از سخنان محمد بن اسماعیل کحلانی و ابن حزم اندلسی در نقد حدیث «علیکم بسنتی و سنّة الخلفاء الراشدين» اشاره می‌شود.

#### کحلانی و حدیث «علیکم بسنتی و سنّة الخلفاء الراشدين»

محمد بن اسماعیل کحلانی صنعانی درباره حدیث «علیکم بسنتی و سنّة الخلفاء الراشدين» می‌نویسد: احمد بن حنبل، ابوداود سجستانی و ابن ماجه قزوینی روایت «علیکم بسنتی و سنّة الخلفاء الراشدين» را نقل کرده‌اند. ترمذی حدیث مذکور را نقل کرده و

سند آن را صحیح دانسته است. حاکم نیشابوری نیز معتقد است روایت مورد بحث، شرایط صحت نزد بخاری و مسلم را دارد. روایت «علیکم بسنتی و سنّة الخلفاء الراشدين» هر چند از طرق مختلفی نقل شده است اما همه طرق موجود، دارای اشکالاتی هستند.<sup>۱</sup>

### ابن حزم و حدیث «علیکم بسنتی و سنّة الخلفاء الراشدين»

ابن حزم اندلسی در نقد حدیث «علیکم بسنتی و سنّة الخلفاء الراشدين» توضیح بیشتری داده و می‌نویسد: خلفا اختلافات فراوانی با یکدیگر داشته‌اند و عمل کردن به سنت‌های همه آنان محال است و رسول خدا ﷺ مسلمانان را به امر محال دستور نمی‌دهد. در رابطه با حدیث «علیکم بسنتی و سنّة الخلفاء الراشدين» سه راه بیشتر نداریم:

۱. در اموری که خلفا با هم اختلاف دارند به نظرات و آراء همه خلفا عمل کنیم. این امر محال است و امکان ندارد؛ زیرا عمل به دو امر متضاد امکان ندارد. مثلاً در مسأله «ارث پدر بزرگ با حضور

۱. «و أما حدیث علیکم بسنتی و سنّة الخلفاء... له طرق فیها مقال الاّ أنّه یقوی بعضها بعضاً، فإنه لیس المراد بسنة الخلفاء الراشدين إلاّ طریقتهم الموافقة لطریقته ﷺ من جهاد الأعداء و تقویة شعائر الدین و نحوها». سبل السلام: ج ۲، ص ۱۱، باب صلاة التطوع، قیام شهر رمضان و تحفة الأخوذی بشرح جامع الترمذی: ج ۳، ص ۶۹، کتاب الصلاة، أبواب الجمعة، باب ۳۷۲ ما جاء فی أذان الجمعة، ذیل حدیث ۵۱۶، به نقل از کحلانی صاحب سبل الاسلام.

برادران میت» چگونه امکان دارد هم به قول ابوبکر و عایشه عمل کنیم و هم به قول عمر و هم به قول علی؟ اگر بخواهیم به قول ابوبکر و عایشه عمل کنیم باید همه ارث را به پدر بزرگ بدهیم و برادران میت را از ارث محروم کنیم. اگر بخواهیم به قول عمر عمل کنیم باید ثلث اموال را به پدر بزرگ داده و باقی اموال را به برادران میت بدهیم. اگر بخواهیم به قول حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ عمل کنیم سدس اموال به پدر بزرگ می‌رسد و باقی اموال را باید به برادران میت بدهیم. چگونه امکان دارد به سنت‌ها و همه اقوال خلفا عمل کنیم؟

۲. در مواردی که خلفا با هم اختلاف دارند ما مجاز و مختار باشیم به اقوال و نظرات هر کدام از خلفا که می‌خواهیم عمل کنیم. این صورت هم درست نیست؛ زیرا باعث خروج از اسلام می‌شود. معنا و مفاد این صورت این است که دین خدا به ما موكول شده است و همه مسلمانان حق دارند هر چیزی را که می‌خواهند، حرام یا حلال کنند و در نتیجه امکان دارد چیزی را که برخی از مسلمانان حرام می‌دانند، عده‌ای دیگر حلال بدانند. آیات **﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾**<sup>۱</sup>، **﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا﴾**<sup>۲</sup> و **﴿وَلَا تَنْزِعُوا﴾**<sup>۳</sup> نیز با

۱. سوره مائده (۵)، آیه ۳.

۲. سوره بقره (۲)، آیه ۲۲۹.

۳. سوره انفال (۸)، آیه ۴۶.

این صورت سازگار نیست و بطلان آن را نشان می‌دهد؛ زیرا مطابق این آیات آنچه در زمان رسول خدا ﷺ حرام بوده تا روز قیامت حرام خواهد بود و آنچه در زمان رسول خدا ﷺ واجب بوده تا روز قیامت واجب خواهد بود و آنچه در زمان رسول خدا ﷺ حلال بوده تا روز قیامت حلال خواهد بود.

اشکال دیگری که متوجه این صورت است این است که اگر مختار باشیم به اقوال و رفتار هر خلیفه‌ای که دوست داریم عمل کنیم و اقوال و رفتار سایر خلفا را کنار بگذاریم، با مفاد روایت «علیکم بسنتی و سنت الخلفاء الراشدين» مخالفت کرده‌ایم؛ زیرا به اقوال و رفتار و سنت‌های برخی از خلفا عمل نکرده و از آنان تبعیت نکرده‌ایم. با توجه به اشکالاتی که صورت اول و دوم دارد چاره‌ای جز پذیرفتن صورت سوم نداریم.

۳. صورت سوم این است که تنها در مواردی که همه خلفا و

صحابه با هم اتفاق نظر دارند به آراء و نظراتشان عمل کنیم.<sup>۱</sup>

۱. «و أما قوله: علیکم بسنتی و سنت الخلفاء الراشدين، فقد علمنا أنه لا یأمر بما لا یقدر علیه، و وجدنا الخلفاء الراشدين بعده ﷺ قد اختلفوا اختلافاً شديداً، فلا بد من أحد ثلاثة أوجه لا رابع لها: إما أن نأخذ بكل ما اختلفوا فيه و هذا ما لا سبيل إليه و لا یقدر علیه، إذ فيه الشيء و ضده و لا سبيل إلى أن یورث أحد الجدّ دون الإخوة بقول أبي بكر و عائشة و یورثه الثلث فقط و باقی ذلك للإخوة علی قول عمر و یورثه السدس و باقیه للإخوة علی مذهب علي و هكذا في كل ما اختلفوا فيه، فبطل هذا الوجه، لأنه ليس في استطاعة الناس أن يفعلوه فهذه وجه. أو یكون مباحاً لنا بأن نأخذ بأيّ ذلك شئنا و هذا خروج عن الاسلام، لأنه یوجب أن یكون دين الله تعالی موکولاً إلى اختیارنا،

### پذیرش توسل و تبرک و محدود کردن دایره جواز

با توجه به مطالبی که درباره توسل و تبرک صحابه، تابعین، علما و عوام اهل سنت مطرح شده بود و مستندات و مدارک آن از منابع

فیحرم کل واحد منّا ما یشاء و یحلّ ما یشاء و یحرم أحدنا ما یحلّه الآخر و قول الله تعالی: ﴿الْیَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِیْنَكُمْ﴾ و قوله تعالی: ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا﴾ و قوله تعالی: ﴿وَلَا تَنْزَعُوا﴾ یبطل هذا الوجه الفاسد و یوجب أنّ ما كان حراماً حیثینذ فهو حرامٌ إلى یوم القیامة و ما كان واجباً یومئذ فهو واجبٌ إلى یوم القیامة و ما كان حلالاً یومئذ فهو حلالٌ إلى یوم القیامة و أيضاً فلو كان هذا لکنّا إذا أخذنا بقول الواحد منهم فقد تركنا قول الآخر منهم و لا بدّ من ذلك، فلسنا حیثینذ متّبعین لستّهم، فقد حصلنا فی خلاف الحدیث المذكور و حصلوا فیہ شأؤوا أو أبوا و لقد أذکرنا هذا مفتیاً كان عندنا بالاندلس و كان جاهلاً فكانت عاده أن یقدمه رجلاً كان مدار الفتیا علیها فی ذلك الوقت، فكان یكتب تحت فتیاهما: أقول بما قاله الشیخان. فقضى أنّ ذینك الشیخین اختلفا، فلما كتب تحت فتیاهما ما ذكرنا قال له بعض من حضر: إنّ الشیخین اختلفنا (اختلفا) فقال: و أنا اختلف باختلافهما. قال أبو محمد: فإذ قد بطل هذان الوجهان فلم یبق إلا الوجه الثالث و هو أخذ ما أجمعوا علیه و لیس ذلك إلا فیما أجمع علیه سائر الصحابة رضوان الله علیهم معهم و فی تتبعهم سنن النبی ﷺ و القول بها و أيضاً فإنّ الرسول إذا أمر باتباع سنن الخلفاء الراشدين لا یخلو ضرورة من أحد وجهین: إمّا أن یكون أباح أن یسنّوا سنناً غیر سننه، فهذا ما لا یقوله مسلمٌ و من أجاز هذا فقد كفر و ارتد و حلّ دمه و ماله، لأنّ اللدین كلّهُ إمّا واجب أو غیر واجب و إمّا حرام و إمّا حلال لا قسم فی الدیانة غیر هذه الاقسام أصلاً، فمن أباح أن یكون للخلفاء الراشدين سنّة لم یسنّها رسول الله فقد أباح أن یحرموا شیئاً كان حلالاً علی عهدہ إلى أن مات أو أن یحلّوا شیئاً حرّمه رسول الله أو أن یوجبوا فریضة لم یوجبها رسول الله أو أن یسقطوا فریضة فرضها رسول الله و لم یسقطها إلى أن مات و كلّ هذه الوجوه من جواز منها شیئاً فهو کافرٌ مشرکٌ بإجماع الأمة كلّها بلا خلاف و بالله التوفیق فهذا الوجه قد بطل و لله الحمد و إمّا أن یكون أمر باتباعهم فی اقتدائهم بسنّته ﷺ، فهكذا نقول لیس یحتمل هذا الحدیث وجهاً غیر هذا أصلاً. الاحکام: ج ٦، ص ٨٠٥ - ٨٠٦، الباب السادس و الثلاثون فی إبطال التقليد.

خود اهل سنت ارائه شده بود و چاره‌ای جز پذیرش آن به عنوان یک فرهنگ اسلامی نداشتند، یکی از حاضرین در جلسه دامنه جواز این امور را محدودتر کرده و از حضرت استاد پرسیدند: آیا تبرک و توسل در سیره خلفای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وجود دارد؟

### پاسخ حضرت استاد

حضرت استاد در پاسخ به این سؤال فرمودند:

**اولا:** بر اساس روایات و مبانی شما، همه صحابه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، عادل هستند و اعمال، گفتار و رفتار همه صحابه، سند و حجت است.<sup>۱</sup> چرا دنبال اثبات توسل و تبرک فقط در سیره خلفا هستید؟ با توجه به توسل صحابه به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جنگ با مسیلمه کذاب و ماجرای عثمان بن حنیف و تعلیم توسل به فردی که مشکل داشت و خلیفه سوم به او توجه نمی‌کرد و پناه بردن صحابه و تابعین به قبر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و متوسل شدن به آن حضرت برای رهایی از شر حکومت زیاد بن ابیه، تبرک و توسل در سیره و روش صحابه وجود داشته و هیچ اشکالی ندارد و مشروع است. مگر این

۱. «أصحابي كالنجوم، فأبهم اقتديتم اهتديتم». عمدة القاري شرح صحيح البخاري: ج ۱۰، ص ۲۰۲، كتاب الحج، أبواب العمرة، باب الاغتسال بالمحرم، شرح حديث ۴۱۵. «الصحابة كلهم عدول». فتح الباري بشرح صحيح البخاري: ج ۹، ص ۵۴۸، كتاب الذبائح و الصيد، باب ذبيحة الامة و المرأة.

که همه صحابه را عادل ندانید و گفتار و رفتار آنان را حجت ندانید! که بعید می‌دانم چنین نظری داشته باشید.

**ثانیا:** توسل و تبرک در سیره عملی خلفای پیامبر هم وجود دارد. خلیفه اول و خلیفه چهارم در همان لحظات اول رحلت رسول خدا ﷺ به آن حضرت متوسل شده‌اند.

زینی دحلان از علمای بزرگ شافعیه می‌نویسد: هنگامی که رسول خدا ﷺ از دنیا رفت، ابوبکر فوراً به خانه رسول خدا ﷺ آمد و پارچه و کفن را از روی صورت رسول خدا ﷺ کنار زد و خودش را روی بدن مطهر انداخت و آن حضرت را بوسید و شروع کرد به حرف زدن با پیکر مطهر رسول خدا ﷺ و گفت: ای رسول خدا! پدر و مادرم فدایت! چه قدر پاک و پاکیزه زندگی کردی و پاک و مطهر از دنیا رفتی! ای رسول خدا! پیش پروردگارت ما را هم به خاطر داشته باش و فراموش‌مان نکن.<sup>۱</sup>

حضرت علی رضی الله عنه خلیفه چهارم در نظر شما نیز همین کار را انجام داده و صورت روی صورت پیامبر ﷺ گذاشته و فرمود: «بأبي أنت و أمي! أذكرنا عند ربك و اجعلنا من بالك».<sup>۲</sup>

۱. «لما توفي النبي ﷺ أقبل أبو بكر، فكشف عن وجهه، ثم أكب عليه فقبله و قال: بأبي أنت و أمي! طبت حياً و ميتاً، أذكرنا يا محمد عند ربك و لنكن من بالك». الدرر السنينة في الرد على الوهابية: ص ۲۴.

۲. نهج البلاغه (ترجمه محمد دشتی): ص ۳۳۴، خطبه ۲۳۵.



**ثالثاً:** علاوه بر سیره عملی خلفا، خداوند نیز در قرآن کریم توسل به پیامبر ﷺ را جایز و مشروع شمرده و مسلمانان را به این امر مهم هدایت کرده می‌فرماید: ﴿وَكُذِّبُوا إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾<sup>۱</sup>. خداوند در این آیه به مسلمانان یاد می‌دهد که وقتی گناه کردند، نزد پیامبر ﷺ بروند و برای آمرزش گناهانشان به پیامبر ﷺ متوسل شوند.

پس از پاسخ‌های مستند و مستدل حضرت استاد به سؤال مطرح شده، کسی که سؤال را پرسیده بود، از روی ناشی‌گری و شاید هم از روی عناد و لجاجت پرسید: آیا از خلفای راشدین روایتی دال بر جواز توسل و تبرک نقل شده است؟

حضرت استاد در پاسخ این سؤال فرمودند: وقتی در سیره عملی خلفای راشدین توسل وجود دارد و به پیامبر ﷺ متوسل شده‌اند، چه اصراری بر وجود روایتی از آنان در این زمینه دارید؟ آیا عمل و سیره عملی خلفای راشدین از گفتار و سخن آنان کمتر است؟

---

۱. «و اگر آنان هنگامی که با ارتکاب گناه به خود ستم کردند، نزد تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر هم برای آنان طلب آمرزش می‌کرد، یقیناً خدا را بسیار توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند». سوره نساء (۴)، آیه ۶۴.

### مقید و محدود کردن جواز توسل به پیامبر ﷺ

وقتی سخن به اینجا رسید و سیره عملی خلفای راشدین نیز نشان‌دهنده جواز و مشروعیت توسل بود و جای هیچگونه اعتراضی را باقی نگذاشت، یکی از حاضرین در جلسه که چاره‌ای جز پذیرش توسل به عنوان یک فرهنگ عام اسلامی نداشت، در صدد محدودتر و تنگتر کردن دایره جواز و مشروعیت توسل برآمده و گفت: پیامبر ﷺ انسان ویژه و خاصی است و ما توسل به ایشان را می‌پذیریم، ولی اهل بیت او انسان‌های معمولی هستند و نمی‌شود به آنان تمسک جست.

### پاسخ حضرت استاد

حضرت استاد در پاسخ به این سؤال فرمودند:

**اولا:** پس قبول دارید که توسل به پیامبر ﷺ شرک نیست.

**ثانیا:** چه کسی گفته توسل از اختصاصات پیامبر ﷺ است؟

**ثالثا:** شما مشروعیت و جواز توسل به پیامبر ﷺ را پذیرفتید، در حالی که ابن تیمیه و وهابی‌ها همین مطلب را قبول ندارند و حتی توسل به پیامبر ﷺ را هم شرک می‌دانند. ابن تیمیه در کتاب «زیارة القبور و الاستنجاد بالمقبور» می‌گوید: هر کس نزد قبور انبیاء و صالحان برود و حوائجش را نزد آنان مطرح کند و حل مشکلاتش را از صاحبان قبور بخواهد، مشرک است و باید توبه کند

و الا باید کشته شود.<sup>۱</sup>

و محمد بن عبدالوهاب در کتاب کشف الشبهات می‌گوید: هر کس از ملائکه، انبیاء و اولیاء الهی طلب شفاعت کند و برای رسیدن به خدا و برآورده شدن حاجاتش، آنان را واسطه قرار دهد؛ کافر و مشرک است و خون و مالش حلال است.<sup>۲</sup>

### مقید و محدود کردن جواز توسل به زمان حیات

#### رسول خدا ﷺ

جواب‌های حضرت استاد به پرسش‌های علمای اهل سنت، مستند و قانع‌کننده بود و به همه شک‌ها و تردیدها پایان می‌داد. یکی از حاضرین در جلسه به استدلال حضرت استاد به آیه ﴿وَكُو

۱. «من يأتي إلى قبر نبي أو صالحٍ و يسأله حاجته و يستنجده... فهذا شرك صريح، يجب أن يستتاب صاحبه، فإن تاب و إلا قُتل». زيارة القبور و الإستنجاد بالمقبور: ص ۱۷ و ۲۱، حکم من يأتي إلى قبر نبي أو صالح و يسأله و يستنجد به.

۲. «و أن قصدهم الملائكة و الأنبياء و الأولياء، يريدون شفاعتهم و التقرب إلى الله بذلك، هو الذي أحلّ دمائهم و أموالهم». «من ظنَّ أن بين الله و بين خلقه وسائط ترفع إليهم الحوائج، فقد ظنَّ بالله سوء الظن» و «إن محمداً لم يفرق بين من اعتقد في الأصنام و من اعتقد في الصالحين، بل قاتلهم كلهم و حكم بكفرهم»، «لا يصح دين الإسلام إلا بالبراءة ممن يتقرب إلى الله بالصلحاء و تكفيرهم»، «من عبَدَ الله ليلاً و نهاراً، ثم دعا نبياً أو ولياً عند قبره، فقد إتخذ إلهين إثنين و لم يشهد أن لا إله إلا الله، لأن الإله هو المدعو» و «إجماع المذاهب كلهم على من جعل بينه و بين الله وسائط يدعوهم أنه كافر مرتد حلال المال و الدم». مجموع مؤلفات الشيخ محمد بن عبد الوهاب: ج ۱، ص ۵۱، كشف الشبهات.

أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا ﴿﴾ برای جواز توسل به پیامبر ﷺ اشکال گرفته و گفت: آیه و دستور مراجعه به پیامبر ﷺ مربوط به زمان حیات رسول خدا می باشد و ربطی به بعد از رحلت پیامبر ﷺ ندارد.

### پاسخ حضرت استاد

حضرت استاد در پاسخ به این سؤال و شبهه فرمودند:

**اولا:** آیه اطلاق دارد و قرینه‌ای برای مقید کردن آن به زمان زنده بودن پیامبر ﷺ وجود ندارد.

**ثانیا:** اگر گفتید آیه مختص زمان حیات پیامبر ﷺ است، باید آیه را کنار بگذارید و بگویید قرآن مربوط به زمان خاصی است، آیا به لوازم حرفتان پایبند هستید؟

**ثالثا:** در ذیل همین آیه، ماجرای از امام مالک نقل شده است که با سخن شما منافات دارد و نشان می‌دهد که صحابه و تابعین، آیه و مراجعه به پیامبر ﷺ را مقید و مختص به زمان حیات آن حضرت ندانسته‌اند.

منصور دوانیقی یکی از خلفای عباسی از امام مالک پرسید: هنگامی که در مسجدالنبی و کنار قبر رسول خدا ﷺ هستم، رو به قبله بایستم و دعا کنم یا رو به قبر پیامبر ﷺ؟ مالک در جواب

منصور دوانیقی آیه ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾ را خواند و گفت: چرا می‌خواهی صورتت را از قبر پیامبر ﷺ برگردانی؟ رسول خدا ﷺ در روز قیامت، واسطه و وسیله تو و حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام (همه انسان‌ها) با خداست. در مقابل قبر مطهر رسول خدا ﷺ ایستاده و در حالی که صورتت به سمت قبر پیامبر ﷺ است، رسول خدا ﷺ را شفیع و واسطه شفاعت قرار بده، خداوند نیز حتما شفاعت رسول خدا ﷺ را خواهد پذیرفت.<sup>۱</sup>

**رابعاً:** وقتی آیات قرآن کریم<sup>۲</sup> شهداء را زنده معرفی می‌کند، و با توجه به برتری مقام نبوت بر مقام شهادت، انبیاء به طریق اولی زنده هستند.

**خامساً:** وقتی درخواست از غیر خدا شرک باشد، فرقی بین زنده و مرده نیست و درخواست از رسول خدا ﷺ در زمان حیات هم

۱. «يا أبا عبد الله! أستقبل القبلة و أدعو، أم أستقبل رسول الله ﷺ؟ فقال: و لم تصرف وجهك عنه و هو وسيلتك و وسيلة أبيك آدم إلى الله تعالى يوم القيامة، بل إستقبله و استشفع به فيشفعك الله»، قال الله تعالى: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾. شفاء السقام في زيارة خير الأنام عليه أفضل الصلاة و السلام: ص ۱۶۳ و الغدير في الكتاب و السنة و الأدب: ج ۵، ص ۲۰۰. به نقل از الشفا بتعريف حقوق المصطفى: ج ۲، ص ۹۲.

۲. ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾. سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۶۹.

شرک خواهد بود.

### مقید کردن جواز توسل و تبرک برای امور اخروی

علمای اهل سنت حاضر در جلسه برای زیر سؤال بردن آموزه و فرهنگ توسل، همچون شخصی که در حال غرق شدن است و برای نجات یافتن، به هر وسیله‌ای دست می‌اندازد، هر چه در توان داشتند، تلاش کردند و هر توجیه و تأویلی به ذهنشان می‌رسید، مطرح کردند، اما راه به جایی نبرده و ضمن اعتراف به مشروعیت و جواز توسل، آخرین تیر خود را نیز در تاریکی رها کرده و گفتند: ما قبول کردیم که خلفا اموری مانند تبرک و توسل را انجام می‌دادند، ولی این کارها برای امور اخرویشان بود! نه امور دنیوی! و در ضمن ما همه سخنان و هابیت را تصدیق نمی‌کنیم.

### پاسخ حضرت استاد

حضرت استاد در پاسخ به سوال مطرح شده، ماجرای عثمان بن حنیف و فرد گرفتار را که طبرانی نقل کرده بود، یادآوری کرده و فرمودند: آن شخص برای امور دنیوی و رفع مشکلات دنیوی سراغ خلیفه می‌رفت، ولی به دربار خلیفه راه نمی‌دادند و عثمان بن حنیف صحابی توسل به پیامبر ﷺ را برای رسیدن به خدمت خلیفه و رفع مشکلات دنیوی به او یاد داد، نه برای امور اخروی.

علاوه بر ماجرای عثمان بن حنیف و شخص گرفتار که نشان می‌دهد توسل برای امور دنیوی جایز است، حتی اگر بپذیریم که توسل تنها برای امور اخروی جایز باشد، باز هم مسلمانان با وهابی‌ها مشکل خواهند داشت، زیرا وهابیت توسل در امور اخروی را هم نمی‌پذیرد و آن را حرام می‌داند.

حضرت استاد باز هم به مشکلات امروز دنیای اسلام اشاره کرده و فرمودند: امروز برخی از مسلمانان به خاطر همین عقائد در معرض کشته شدن هستند؛ شما شجاع باشید و بگویید که وهابیت اشتباه می‌کنند و راه سلف را دنبال نمی‌کنند.

### تغییر مسیر بحث توسط یکی از حاضران

یکی از حاضرین در جلسه، موضوع بحث را عوض کرد و پرسید: آیا درست است که حضرت علی علیه السلام درباره خوارج می‌فرمایند: آنان برادران ما هستند؟

با مطرح شدن این سؤال به نظر می‌رسید مناظره و مباحثه درباره زیارت قبور، تبرک و توسل به پایان رسیده و به همه شبهات و سؤالات علمای اهل سنت پاسخ داده شده است. حضرت استاد درباره سؤال مطرح شده، فرمودند: سخنانی در این باره به حضرت علی علیه السلام نسبت داده شده است که جای تأمل و بحث و بررسی سند دارد، اما بعید می‌دانم صحت داشته باشد. بر اساس روایتی که ابن‌ماجه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده، خوارج سگ‌های جهنم

هستند<sup>۱</sup> و سگ نمی‌تواند برادر خلیفه مسلمانان باشد.

با توجه به قرار قبلی که مقرر شده بود دیداری یک ساعته با حضرت استاد داشته باشند، اما حدود یک ساعت و چهل و پنج دقیقه از زمان شروع جلسه می‌گذشت و دقایقی از وقت مغرب و اذان گذشته بود و هنوز جلسه خاتمه پیدا نکرده بود. بارها در دیدارهای حضرت استاد با علمای اهل سنت مشاهده کرده بودم که وقتی اذان گفته می‌شد، برخی از حاضرین در جلسات بدون توجه به ادامه جلسه، بلند می‌شدند و در گوشه‌ای به تنهایی نمازشان را می‌خواندند، اما این بار به دلیل جذابیت بحث و علمی‌رغم اصرار حضرت استاد بر اتمام بحث و ادای نماز در اول وقت، همه حاضرین مجذوب بحث شده و از پاسخ‌های مستند و مستدل حضرت استاد استفاده می‌کردند و راضی به اتمام جلسه نبودند.

حضرت استاد با یادآوری مشترکات فراوان شیعه و سنی در فقه و با استناد به سخنان حضرت آیت‌الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی که می‌فرمایند: «احکام مشترک و مورد اتفاق و قبول طرفین، میان شیعه و سنی بسیار زیاد است»<sup>۲</sup> و با توجه به فرمایش مرحوم شیخ

۱. «قال رسول الله ﷺ: الخوارج كلاب النار». سنن ابن ماجه: ج ۱، ص ۶۱، المقدمة، باب ۱۲، ح ۱۷۳.

۲. «لأن الأحكام المتفق عليها بين الفريقين كثيرة في نفسها». مصباح الأصول: ج ۳، ص ۴۱۹، التعادل و الترجيح، لزوم رعاية الترتيب بين المرجحات و عدمه.



عبدالکریم زنجانی که می‌فرماید: «در فروع دین و احکام، فتاویٰ فقهای شیعه بالاخره با یکی از فرق چهارگانه اهل سنت موافق است و اینگونه نیست که با فتاویٰ همه فرق اهل سنت مخالف باشد»<sup>۱</sup> این دو گروه را برادران هم معرفی کرده و وهابیت را مشکل و دشمن مشترک همه مسلمانان (شیعه و سنی) دانسته و در راستای تأیید نظریه و دیدگاهشان به سخنان ابن‌عابدین یکی از علمای حنفیه استناد کرده و فرمودند: ابن‌عابدین می‌گوید: وهابی‌ها خوارج زمان ما هستند، آنان همه اهل سنت را کافر می‌دانند و خون علمایشان و خون تمام مسلمین را مباح می‌دانند»<sup>۲</sup>.

### خاتمه بحث و مناظره

حضرت استاد در پایان جلسه به جمع‌بندی مباحث خودشان پرداخته و فرمودند: همه سخن من در دو نکته خلاصه می‌شود.

۱. «و أمّا في فروع الدين فلا يوجد رأي واحد في الفروع عند الشيعة يكون مخالفاً لجميع المذاهب الأربعة السنية بأسرها». رحلة الامام الزنجاني: ص ۳۹.
۲. «كما وقع في زماننا في اتباع عبدالوهاب الذين خرجوا من نجد و تغلبوا على الحرمين و كانوا يتحلون مذهب الحنابلة، لكنهم اعتقدوا أنهم هم المسلمون و أنّ من خالف اعتقادهم مشرکون، و استباحوا بذلك قتل أهل السنة و قتل علمائهم، حتى كسر الله تعالى شوكتهم و خرب بلادهم و ظفر بهم عساكر المسلمين عام ثلاث و ثلاثين و مائتين و الف». ردّ المختار على الدر المختار: ج ۶، ص ۴۱۳، كتاب الجهاد، باب البغاة، مطلب في اتباع عبدالوهاب الخوارج في زماننا.

### نکته اول

انحراف وهابیت از خط سلف، چرا که سلف، تبرک و توسل داشتند، ولی الآن اینگونه موارد حرام است و شرک شمرده می‌شود.

### نکته دوم

انحراف مسلمانان از اهل بیت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، پیامبری که فرمودند: من دو چیز گرانبها در میان شما به یادگار می‌گذارم که اگر به آن دو چنگ بزنید گمراه نمی‌شوید.

پس از پایان مناظره، هر کدام از حاضرین، با زبان و ادبیات خاص خود از حضرت استاد و مطالبی که بیان فرموده بودند، تشکر کرده و با اعتراف به اشتباه بودن مسیری که وهابیت برای آنان ارائه داده، قول دادند از موقعیت اجتماعی خودشان برای تبیین حقائق و اعلام باطل بودن جریان وهابیت، استفاده کنند. در پایان جلسه، نماز جماعت مغرب و عشاء به امامت حضرت استاد اقامه شد و حاضرین به صورت دسته‌جمعی و انفرادی با استاد عکس یادگاری گرفتند.

حسن بلقان آبادی

مؤسسه ولاء صدیقه کبری عَلَيْهَا

سوم محرم ۱۴۳۷ قمری

۱۳۹۴/۷/۲۵ شمسی

## كتابتنامه

\* قرآن كريم

\* نهج البلاغه

١. الاحكام في أصول الاحكام، ابن حزم (متوفى ٤٥٦ هجرى)، مطبعة العاصمة، قاهرة، مصر. نرم افزار مكتبه اهل بيت.
٢. البداية و النهاية، ابن كثير دمشقى (متوفى ٧٧٤ قمرى)، دار الكتب العلميه، بيروت، لبنان. (١٤ جلدى)
٣. تاريخ الأمم و الملوك، معروف به تاريخ طبرى، أبو جعفر محمد بن جرير طبرى (٢٢٤ - ٣١٠ قمرى)، دار الكتب العلميه، چاپ دوم، ١٤٠٨ قمرى، بيروت، لبنان، (٦ جلدى).
٤. تحفة الأحوذى بشرح جامع الترمذى، محمد بن

- عبدالرحمن المبارکفوري (متوفای ۱۳۵۳ قمری)،  
دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم ۱۴۳۰ قمری،  
بیروت، لبنان. (۱۰ جلدی).
۵. تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲  
قمری)، دار الفکر، چاپ اول ۱۴۰۴ قمری،  
بیروت، لبنان. (۱۴ جلدی).
۶. تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، ابوالحجاج یوسف  
مزنی (۶۵۴ - ۷۴۲ قمری)، دار الفکر، ۱۴۱۴  
قمری، بیروت، لبنان. (۲۲ جلدی).
۷. الثقات، ابن حبان، ابوحاتم محمد بن حبان تمیمی  
بستی شافعی، متوفای ۳۵۴ قمری، دائرة المعارف  
العثمانیة، چاپ اول، ۱۳۹۳ قمری، حیدرآباد، هند،  
(۹ جلدی).
۸. الجامع الصحیح معروف به سنن ترمذی، أبو عیسی  
محمد بن عیسی بن سورة بن موسی ترمذی (۲۰۹ -  
۲۷۹ قمری)، دار ابن الجوزی، قاهره، مصر.
۹. الدرر السنیة فی الرد علی الوهابیة، زینی دحلان، احمد  
بن زینی دحلان شافعی (۱۲۳۳ - ۱۳۰۴ قمری)،  
بی تا، بی جا.

۱۰. رحلة الامام الزنجاني، بی تا، بی جا.
۱۱. ردّ المختار على الدر المختار، محمدا مین ابن عابدين، دار الكتب العلمیّة، چاپ سوم ۲۰۱۱ میلادی، بیروت، لبنان.
۱۲. زیارة القبور و الإستنجاد بالمقبور، ابن تیمیّه، أبو العباس تقي الدين أحمد بن عبد الحليم (متوفای ۷۲۸ قمری).
۱۳. سبل السلام، محمد بن اسماعیل كحلانی (۱۰۵۹ - ۱۱۸۲ هجری)، دار إحياء التراث العربي، چاپ چهارم ۱۳۷۹ هجری، بیروت، لبنان.
۱۴. سنن ابن ماجه، ابن ماجه قزوینی (۲۰۷ - ۲۷۵ قمری)، دار الفکر، محقق: محمدفؤاد عبدالباقي، بی تا، (۲ جلدی).
۱۵. سنن ابی داود، ابوداود سجستانی (متوفای ۲۷۵ قمری)، دار ابن الجوزي، چاپ اول ۲۰۱۱ میلادی، قاهره، مصر.
۱۶. سير أعلام النبلاء، شمس الدين ذهبی، محمد بن احمد (۶۷۳ - ۷۴۸ قمری)، مؤسسة الرسالة، محقق: شعيب الأرنؤوط و محمدنعيم العرفسوقي، چاپ

- یازدهم، ۱۴۱۷ قمری، بیروت، لبنان، (۲۵ جلدی).
۱۷. شفاء السقام في زيارة خير الأنام عليه أفضل الصلاة والسلام، سُبكي، تقي الدين علي بن عبد الكافي (٦٨٣ - ٧٥٦ قمری)، محقق: سيد محمد رضا حسيني جلالی، چاپ چهارم، ۱۴۱۹ قمری.
۱۸. صحيح البخاري، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري (متوفى ٢٥٦ قمری)، چاپ دوم، دار الآفاق العربية، قاهره، مصر.
۱۹. صحيح مسلم، مسلم بن حجاج نيشابوري (٢٠٤ - ٢٦١ قمری)، دار المعرفه، چاپ دوم ۱۴۲۸ قمری، بیروت، لبنان.
۲۰. طبقات الشافعية الكبرى، سبكي، عبد الوهاب بن علي، (٧٢٧ - ٧٧١ قمری)، دار احياء الكتب العربية، محقق: محمود محمد الطناحي و عبدالفتاح محمد الحلو، بی تا، (١٠ جلدی).
۲۱. عمدة القاري شرح صحيح البخاري، عيني، محمود بن احمد، (متوفى ٨٥٥ قمری)، دار احياء التراث العربي، بیروت، لبنان.

۲۲. الغدير في الكتاب و السنة و الأدب، علامه امينى،  
عبدالحسين احمد، مركز الغدير للدراسات الإسلامية،  
چاپ اول ۱۴۱۶ قمرى، قم، ايران، (۱۲ جلدی).
۲۳. فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمية و الإفتاء، جمع  
و ترتيب الشيخ أحمد بن عبدالرزاق الدويش، دار  
العاصمة، چاپ سوم ۱۴۱۹ قمرى، رياض،  
عربستان.
۲۴. فتح الباري بشرح صحيح البخاري، علي بن حجر  
العسقلاني (۷۷۳ - ۸۵۲ قمرى)، چاپ اول ۱۴۰۷  
قمرى، دار الريان للتراث، قاهره، مصر.
۲۵. مجموع مؤلفات الشيخ محمد بن عبدالوهاب (۱۱۱۵  
- ۱۲۰۶ قمرى)، محقق رائد بن صبري بن أبي علفه.
۲۶. مروج الذهب و معادن الجوهر، مسعودى، ابوالحسن  
على بن حسين بغدادى شافعى، متوفى ۳۴۶  
قمرى، دار الكتب العلميه، محقق: دكتور مفيد محمد  
قميحه، چاپ اول، بيروت، لبنان، (۴ جلدی).
۲۷. المسند، أحمد بن محمد بن حنبل (۱۶۴ - ۲۴۱  
قمرى)، دار صادر، بيروت، لبنان، (۶ جلدی).
۲۸. مصباح الأصول، سيد ابوالقاسم خوئي، مطبعة

- النجف، ۱۳۷۶ قمری، نجف، عراق.
۲۹. المعجم الكبير، طبرانی حنبلی، ابوالقاسم سليمان بن احمد ( ۲۶۰ - ۳۶۰ قمری)، دار إحياء التراث العربي، محقق: حمدي عبدالمجيد سلفی، چاپ دوم، (۲۵ جلدی).
۳۰. المنهاج في شرح صحيح مسلم بن الحجاج، يحيى بن شرف النووي ( ۶۳۱ - ۶۷۶ قمری)، المكتبة العصرية، صيدا، بيروت، لبنان.
۳۱. وهابيت از منظر عقل و شرع، حسيني قزويني، مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر - علیه السلام، چاپ سوم، خرداد ۱۳۷۸ شمسی، قم، ایران.
۳۲. هدي الساري مقدمة فتح الباري، علي بن حجر العسقلاني ( ۷۷۳ - ۸۵۲)، چاپ اول، ۱۴۰۷ قمری، دار الريان للتراث، قاهره، مصر.